



زبان تخصصی

مجموعه علوم سیاسی

مؤلف: سعید شکوهی

سری کتابهای کمک آموزشی کارشناسی ارشد

شکوهی، سعید
زبان تخصصی رشته کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی / سعید شکوهی
مشاوران صعود ماهان، ۱۴۰۴
۲۳۰ ص: جدول، نمودار (آمادگی آزمون کارشناسی ارشد علوم سیاسی)
ISBN: 978-600-458-763-1
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
فارسی - چاپ اول
۱- زبان تخصصی
۲- آزمونها و تمرینها (عالی)
۳- آزمون دوره های تحصیلات تکمیلی
۴- دانشگاهها و مدارس عالی - ایران - آزمونها
سعید شکوهی
ج - عنوان
LB۲۳۵۳/ ۱۳۹۲ ز ۷۴۸۵۲
۳۷۸/۱۶۶۴ رده بندی دیویی:
۳۲۱۶۶۸۴ کتابخانه ملی ایران

نام کتاب:	✓	زبان تخصصی
مؤلف:	✓	سعید شکوهی
ناشر:	✓	مشاوران صعود ماهان
نوبت و تاریخ چاپ	✓	اول / ۱۴۰۴
تیراژ:	✓	۱۰۰۰ نسخه
قیمت:	✓	۴۷۰ / ۴ ریال
شابک:	✓	ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۷۶۳-۱

انتشارات مشاوران صعود ماهان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری،
روبروی قنادی هتل بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰
تلفن: ۴-۸۸۱۰۰۱۱۲

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه آموزش عالی آزاد ماهان می باشد،
هرگونه اقتباس و کپی برداری از این اثر بدون اخذ مجوز پیگرد قانونی دارد.

مقدمه مؤلف

داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد به اهمیت سئوالات زبان تخصصی در این آزمونها وقوف کامل دارند اما متأسفانه به دلیل اینکه در کشور ما چندان به آموزش زبان انگلیسی بهایی داده نمی شود لذا اغلب داوطلبان به سئوالات زبان تخصصی یا جواب نمی دهند و یا اینکه در صورتی که وقت اضافی داشته باشند به این مبحث می پردازند. مجموعه علوم سیاسی و روابط بین الملل نیز از این قاعده مستثنی نیست و هر داوطلبی که بتواند به سئوالات زبان تخصصی حتی در سطح متوسط جواب دهد شانس قبولی خویش را به شکل فوق العاده‌ای افزایش می‌دهد چرا که معمولاً نمرات اغلب داوطلبان در دروس دیگر خیلی به هم نزدیک است و دروس محدودی از جمله زبان تخصصی است که شانس قبولی داوطلبان را تعیین می‌کند. لذا از داوطلبان گرامی تقاضا می‌شود که به منظور تضمین موفقیت خویش در این آزمون، بهای بیشتری برای زبان تخصصی قائل شوند.

مؤلف کتاب بر این باور نیست که خوانش این کتاب برای پاسخگویی به سئوالات آزمون کارشناسی ارشد کافی است اما سعی بر آن داشته تا با فراهم آوردن نکات کلیدی، اصطلاحات پرکاربرد و معادل‌های فارسی آنها به همراه سئوالات آزمون‌های سراسری سال ۱۳۷۸ تا ۱۴۰۳ و پاسخ‌های آنها بتواند داوطلبان عزیز را در این راه یاری دهد. نکته مهم دیگر که در این مجلد سئوالات خودآزمایی طرح شده این است که سعی شده در این سئوالات از عبارات و اصطلاحات پرکاربرد استفاده شود تا در عین این که داوطلبان با نمونه سئوالات آشنا می‌شوند، بتوانند معانی این اصطلاحات کلیدی را نیز به همراه متن یاد گیرند. در پایان بر خود لازم می‌دانم از همراهی و همکاری صمیمانه مدیران و مسئولان موسسه ماهان در طول نگارش این کتاب و انتشار آن سپاسگذاری نمایم.

به امید توفیق روزافزون داوطلبان گرامی

سعید شکوهی

آیا آنانکه می‌دانند با آنانکه نمی‌دانند برابرند؟ (قرآن کریم)

پس از حمد و سپاس و ستایش به درگاه بی‌همتای احدیت و درود بر محمد مصطفی، عالی نمونه بشریت که در تاریخ دور تاریخ، بنا به فرمان نافذ صمدیت از میان مردمی برخاست که خود بودند در پست‌ترین حد توحش و ضلال و بربریت و آنگاه با قوانین شامل خویش هم ایشان را راهبری نمود و رهانید از بدویت و استعانت جوییم از قرآن کریم، کتابی که هست جاودانه و بی‌نقص تا ابدیت.

کتابی که در دست دارید آخرین ویرایش از مجموعه کتب خودآموز مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان است که بر مبنای خلاصه درس و تأکید بر نکات مهم و کلیدی و تنوع پرسش‌های چهار گزینه‌ای جمع‌آوری شده است. در این ویرایش ضمن توجه کامل به آخرین تغییرات در سرفصل‌های تعیین شده جهت آزمون‌های ارشد تلاش گردیده است که مطالب از منابع مختلف معتبر و مورد تأکید طراحان ارشد با ذکر مثال‌های متعدد بصورت پرسش‌های چهار گزینه‌ای با کلید و در صورت لزوم تشریح کامل ارائه گردد تا دانشجویان گرامی را از مراجعه به سایر منابع مشابه بی‌نیاز نماید.

لازم به ذکر است شرکت در آزمون‌های آزمایشی ماهان که در جامعه آماری گسترده و در سطح کشور برگزار می‌گردد می‌تواند محک جدی برای عزیزان دانشجو باشد تا نقاط ضعف احتمالی خود را بیابند و با مرور مجدد مطالب این کتاب، آنها را برطرف سازند که تجربه سال‌های مختلف موکد این مسیر به عنوان مطمئن‌ترین راه برای موفقیت می‌باشد.

لازم به ذکر است از پورتال ماهان به آدرس www.mahanportal.ir می‌توانید خدمات پشتیبانی را دریافت دارید.

و نیز بر خود می‌بالیم که همه ساله میزان تطبیق مطالب این کتاب با سؤالات آزمون‌های ارشد- که از شاخصه‌های مهم ارزیابی کیفی این کتاب‌ها می‌باشد- ما را در محضر شما سربلند می‌نماید.

در خاتمه بر خود واجب می‌دانیم که از همه اساتید بزرگوار و دانشجویان ارجمند از سراسر کشور و حتی خارج از کشور و همه همکاران گرامی که با ارائه نقطه نظرات سازنده خود ما را در پربارتر کردن ویرایش جدید این کتاب یاری نمودند سپاسگزاری نموده و به پاس تلاش‌های بی‌چشمداشت، این کتاب را به محضرشان تقدیم نماییم.

مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان

معاونت آموزش

عنوان

صفحه

فصل اول:

اصطلاحات پرکاربرد در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ----- ۷

فصل دوم:

برخی از کلید واژه‌ها و مفاهیم پراهمیت در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ----- ۳۱

فصل سوم:

سوالات خودآزمایی ----- ۴۱

سوالات چهارگزینه‌ای خودآزمایی ----- ۴۳

پاسخنامه سوالات چهارگزینه‌ای خودآزمایی ----- ۵۳

فصل چهارم:

معانی برخی از واژگان مهم در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ----- ۵۹

سوالات چهارگزینه‌ای آزمون سراسری سال ۱۳۷۸-۱۴۰۴ ----- ۶۵

منابع ----- ۲۳۸

فصل اول

اصطلاحات پرکاربرد در علوم سیاسی و روابط بین الملل

عناوین اصلی

❖ اصطلاحات

فصل اول

اصطلاحات پر کاربرد در علوم سیاسی و روابط بین الملل

Alien:

A Person who is not a citizen or national of the state wherein he or she is located.

بیگانه:

شخصی که شهروند یا تبعه کشوری نیست که در آن اقامت دارد.

Alliance:

An agreement by states to support each other militarily in the event of an attack against any member, or to advance their mutual interests. Alliance may be bilateral or multilateral, secret or open, simple or tightly organized, of short or long duration.

اتحاد:

توافقی میان دولت‌ها برای حمایت نظامی از یکدیگر در صورت وقوع حمله به هر یک از آن‌ها، یا برای پیشبرد منابع متقابلشان. اتحادها یا اتحادیه‌ها ممکن است دو جانبه یا چند جانبه، سری یا علنی، ساده یا دارای سازمان پیچیده، کوتاه مدت یا دراز مدت باشند.

Annexation:

Acquisition of legal title to territory by announcement of the acquiring state that it has extended its sovereignty over and will exercise Jurisdiction in the area.

الحاق:

به دست آوردن حق تملک قانونی یک منطقه با اعلام دولت تملک کننده مبنی بر اینکه حق حاکمیت خود را به آن منطقه گسترش داده و در آن اعمال صلاحیت خواهد کرد.

Apartheid:

The Republic of south Africa's official policy of racial segregation established through openly discriminatory legislation. The Policy was designed to Perpetuate control of the state by the European minority.

آپارتاید (جدایی نژادی):

سیاست رسمی جدایی نژادی آفریقای جنوبی که از طریق تصویب علنی قانون تبعیض نژادی بوجود آمده بود. این سیاست به منظور تثبیت و تداوم کنترل دولت بوسیله اقلیت اروپایی طرح ریزی شده بود.

Appeasement:

Surrender of a vital interest for a minor quid pro quo, or for no reciprocal concession at all.

سازش:

واگذار کردن منفعتی حیاتی در ازای ستاندن منفعتی کوچک، یا بدون ستاندن هیچ منفعتی از طرف مقابل.

Arbitration:

An ancient procedure of the peaceful settlement of disputes.

حکمیت:

یک روش دادرسی و رویه قضایی قدیمی برای حل مسالمت آمیز اختلافات.

Armistice:

A temporary cessation of hostilities agreed to by belligerents.

ترک مخاصمه:

توقف موقت عملیات جنگی با توافق طرفین جنگ.

Arms Control:

Measures taken unilaterally or through agreement among states to reduce the danger of war by such means as partial disarmament, security arrangements to avoid nuclear war and the stabilization of force levels.

کنترل تسلیحات:

اقداماتی که به طور یکجانبه یا بر پایه موافقتنامه‌هایی در میان کشورها صورت می‌گیرند تا خطر جنگ به وسیله تدابیری همچون کاهش بخشی از سلاح‌ها، ترتیبات امنیتی برای اجتناب از جنگ هسته‌ای، و تثبیت سقف نیروها کاهش یابد.

Autarky:

National economic self – sufficiency.

خود بسندگی :

خودکفایی اقتصادی ملی.

Balance of Power:

A Concept that describes how states deal with the problem of national security in a context of shifting alliances and alignments. The balance system is produced by the clustering of related individual national interests in opposition to those of other states.

توازن قدرت:

توازن قدرت مفهومی است که توضیح می‌دهد دولت‌ها با مسائل امنیت ملی چگونه برخورد می‌کنند و برای حفظ امنیت ملی چگونه به تشکیل و تغییر اتحادیه‌ها و صف‌بندیها روی می‌آورند. توازن قدرت بر اثر تضاد منافع گروهی از دولت‌ها با دولت‌های دیگر بوجود می‌آید.



Balance of Terror:

The equilibrium of power among nuclear states stemming from common fear of annihilation in a nuclear war.

توازن وحشت:

تعادل قوا در میان دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای که از هراس متقابل آنها از نابودی در یک جنگ هسته‌ای ناشی می‌شود.

Bipolarity:

A rigid balance of Power system in which Power is polarized into two rival power centers.

دو قطبیت:

دو قطبیت یا توازن دو قطبی، نظام توازن قدرت انعطاف ناپذیری است که در آن قدرت به صورت دو مرکز نیرومند رقیب قطب‌بندی می‌شود.

Bretton Woods Conference:

The United Nations Monetary and Financial conference that drafted the Articles of Agreement for the International Bank for Reconstruction and Development (IBRD) and the International Monetary Fund (IMF).

کنفرانس برتون وودز:

کنفرانس پولی و مالی سازمان ملل که پیش نویس مواد موافقت‌نامه مربوط به بانک بین‌المللی عمران و توسعه و صندوق بین‌المللی پول را تهیه کرد.

Buffer States:

Weak states located between or on the borders of strong states, that serve the security interests of the latter.

کشورهای حایل:

کشورهای ضعیفی که در میان مرزها یا در مرزهای کشورهای نیرومند قرار گرفته‌اند و به منافع امنیتی کشورهای نیرومند خدمت می‌کنند.

Capitalism:

An economic theory and system based on the Principles of laissez – faire free enterprise. Capitalist theory calls for private ownership of property and the means of production, a competitive profit – incentive system, individual initiative and absence of governmental restraints on ownership, production and trade.

سرمایه‌داری:

تئوری و نظام اقتصادی مبتنی بر اصول اقتصاد آزاد (لسه‌فر)، تئوری سرمایه‌داری از مالکیت خصوصی بر دارایی و ابزار تولید، نظام رقابتی مبتنی بر انگیزه سود، ابتکارات شخصی؛ عدم مداخله دولت در امور مالکیت، تولید، و تجارت؛ و اقتصاد بازار که قانون عرضه و تقاضا تنظیم کننده آن است حمایت می‌کند.

Cartel:

An agreement among independent businesspersons or Countries to restrict Competition.

کارتل:

توافقی در میان صاحبان صنایع و شرکت‌های مستقل یا در میان کشورها برای محدود کردن رقابت.

Cession:

The transfer of sovereignty over territory by agreement between ceding and acquiring states.

واگذاری:

واگذار کردن حق حاکمیت بر یک منطقه براساس قراردادی در میان دولت‌های واگذار کننده و اکتساب کننده.

Charismatic Leadership:

Leadership characterized by a mystical or spiritual messianic quality that elicits widespread emotional popular support often bordering on reverence.

رهبری فرمند (کاریزماتیک):

رهبری‌ای که خصوصیت آن جاذبه روحانی یا سحرآمیزی است که حمایت عاطفی وسیع غالباً شبیه به تقدیس را در توده‌ها برمی‌انگیزاند.

Chauvinism:

Extravagant, demonstrative super patriotism. Chauvinism implies uncritical devotion to the state, extreme jealousy of its honor, and an exaggerated sense of its glory.

میهن پرستی افراطی (شووینیسم):

میهن پرستی افراطی، احساساتی و نامعقول. شووینیسم عبارت است از سرسپردگی بی‌چون و چرا به دولت، عشق شدید به افتخار و سر بلندی کشور و احساس تند و نامعقول در مورد شکوه و جلال کشور.

Citizen:

A legal status whereby an individual has both the privileges and responsibilities of full membership in the state. The status of citizen can be acquired (1) at birth, by Jus Soli, or citizenship by place of birth, (2) by Jus sanguinis, or citizenship at birth determined by the allegiance of the parents; (3) by naturalization, the formal transference of allegiance.

شهروند (تبعه):

یک وضعیت حقوقی که به موجب آن یک فرد، هم امتیازات و هم مسئولیت‌های عضویت کامل در جامعه یک کشور را دارا می‌شود. موقعیت شهروندی می‌تواند از طرق زیر به دست آید: (۱) به وسیله اصل خاک یا کسب شهروندی در هنگام تولد به دلیل محل تولد (۲) به وسیله اصل خون یا کسب شهروندی در هنگام تولد به دلیل تابعیت والدین و (۳) به وسیله اکتساب تابعیت یا تغییر رسمی تابعیت.

Civil liberties:

Guarantees that, in a democratic system, the individual's freedom will not be arbitrarily curtailed by government.

آزادی‌های مدنی:

تضمین‌هایی در مورد اینکه در یک نظام دموکراتیک آزادی فردی به طور خودسرانه به وسیله دولت محدود نخواهد شد.

Civil War:

A war fought between different geographical areas, political divisions, or ideological fractions within the same country.

جنگ داخلی:

جنگی که در بین مناطق جغرافیایی، گروه‌های سیاسی و جناح‌های عقیدتی مختلف در داخل یک کشور در می‌گیرد.



Class Struggle:

The conflict between the proletariat and bourgeoisie that, under capitalism, results from the increasing impoverishment of the workers and a polarization engendered by a growing class consciousness.

مبارزه طبقاتی:

مبارزه‌ای که میان پرولتاریا و بورژوازی در دوران حاکمیت سرمایه‌داری در می‌گیرد و علت آن تنگدست شدن روز افزون کارگران و دو قطبی شدن جامعه و آگاهی فزاینده طبقاتی است.

Coalition Government:

A government in which several minority parties from the cabinet when no single party can command a majority.

حکومت ائتلافی:

حکومتی که در آن دولت از چند حزب اقلیت تشکیل می‌شود و دلیل آن این است که یک حزب واحد نمی‌تواند صاحب اکثریت شود.

Cold war:

The extreme state of tension and hostility that developed between the western powers and the Communist bloc of Eastern Europe after world war II.

جنگ سرد:

حالت تنش و مخاصمه شدیدی که بعد از جنگ جهانی دوم بین قدرت‌های غربی و بلوک کمونیستی اروپای شرقی پدیدار شد.

Colonialism:

The rule of an area and its people by an external sovereignty pursuing a policy of imperialism.

استعمارگرایی:

فرمانروایی بر یک منطقه و مردم آن بوسیله حکومت خارجی‌ای که سیاست امپریالیستی را دنبال می‌کند.

Colony:

A noncontiguous territorial Possession of a sovereign state.

مستعمره:

منطقه یا سرزمین غیر همجواری که به وسیله یک دولت حاکم به تصرف یا تملک در آمده است.

Communism:

An ideology that calls for the elimination of capitalist institutions and the establishment of a collectivist society in which land and capital are socially owned and in which class conflict and the coercive power of the state no longer exist.

کمونیسم:

ایدئولوژی که خواهان برچیدن نهادهای سرمایه‌داری و استقرار جامعه‌ای جمع‌گراست که در آن زمین و سرمایه متعلق به جامعه است و در آن مبارزه طبقاتی و قدرت اجباری دولت وجود ندارد.

**Political community:**

Any social unit or group holding common values, utilizing mutual institutions for decision making and complying with decisions made.

جامعه سیاسی:

هر گروه یا واحد اجتماعی که دارای ارزش‌های مشترک است و در تصمیم‌گیری‌هایش از نهادهای مشترکی استفاده می‌کند و از تصمیمات متخذه پیروی می‌کند.

Concert of Europe:

An ad hoc system of consultation among the great powers developed after the Napoleonic wars.

کنسرت اروپا:

یک سیستم ویژه مشورت در میان قدرت‌های بزرگ در مورد امور خاص که پس از جنگ‌های ناپلئون بوجود آمد.

Confederation:

An association of states that seeks to achieve national objectives through common political or economic institutions. A confederation differs from federation in that its members retain full sovereignty whereas in a federation, political authority is constitutionally divided between a central and regional units of government.

کنفدراسیون:

اتحادیه‌ای از کشورها که درصدد دستیابی به اهداف ملی از طریق نهادهای سیاسی و اقتصادی مشترک است. کنفدراسیون با فدراسیون فرق دارد چرا که اعضای کنفدراسیون حق حاکمیت کامل خود را حفظ می‌کنند، حال آن که در فدراسیون قدرت و اختیارات سیاسی براساس قانون در میان واحدهای مرکزی و منطقه‌ای یک حکومت تقسیم می‌شود.

Constitution:

A state's organic or fundamental law which prescribes the basic organs of government and their operations, the distribution of power and the relationship between the individual and the state.

قانون اساسی:

قانون سازنده یا بنیادین یک کشور که سازمانهای اصلی دولتی و عملکرد آنها، نحوه توزیع قدرت و استفاده از آن، و رابطه میان فرد و دولت را مشخص و مقرر می‌کند.

Constitutionalism:

The basic concept that democratic government is limited in the scope of its authority, permitting government officials to exercise only those powers and perform those functions permitted by law.

مشروطیت:

اندیشه و نظریه‌ای با این مضمون اصلی که حوزه قدرت و اختیارات یک حکومت دموکراتیک محدود است و مقامات دولتی اجازه دارند فقط آن قدرت‌هایی را اعمال کنند و آن وظایفی را انجام دهند که به وسیله قانون مجاز شمرده می‌شوند.



Containment:

The basic cold war United States' foreign Policy and its theoretical assumptions, aimed at halting soviet expansion.

تحدید نفوذ:

سیاست خارجی اصلی ایالات متحده در جنگ سرد و باورهای تئوریک آن که به منظور متوقف کردن توسعه طلبی اتحاد شوروی طرح ریزی شده بود.

Contiguous Zone:

An area beyond the territorial waters in which the coastal state remain free to enforce compliance with its laws.

منطقه مجاور:

منطقه‌ای در آن سوی آبهای سرزمینی که دولت ساحلی مجاز و آزاد است طبق قوانین خودش در آن عمل کند.

Coup d'état:

A swift decisive seizure of government Power by a Political power or military group from within the existing system.

کودتا:

تصرف سریع و قطعی قدرت دولتی به وسیله یک قدرت سیاسی یا گروه نظامی از داخل نظام موجود.

Declaration of war:

A formal proclamation issued by a nation to announce that a legal state of hostilities exists with another nation.

اعلام جنگ:

بیانیه رسمی صادر شده بوسیله یک کشور برای اعلام اینکه بین آن کشور با کشور دیگر یک وضعیت حقوقی جنگی وجود دارد.

De Facto recognition:

An indefinite and Provisional recognition by the government of one state that a particular regime in fact exercises authoritative control over the territory of a second state.

شناسایی دو فاکتو:

شناسایی غیر قطعی و مشروطی که از طرف دولت یک کشور به رژیم جدیدی که عملاً خاک یک کشور دیگر را زیر کنترل و اداره خود دارد داده می‌شود.

De jure recognition:

Complete, unqualified recognition of one government by another.

شناسایی دوزوره:

شناسایی کامل و غیر مشروط یک دولت به وسیله دولت دیگر.

Democracy:

An ideology constructed around the liberal values of individual freedom, equality, human dignity and brotherhood, limited government, the rule of law, and the democratic political process.

دموکراسی:

ایدئولوژی‌ای که براساس ارزش‌های آزادیخواهانه آزادی فردی، برابری، برادری و منزلت انسانی، حکومت محدود و مشروط، حاکمیت قانون، و روش‌های سیاسی دموکراتیک شکل گرفته است.



Denuclearization:

An agreement to prohibit nuclear weapons in a specific zone, Country or region.

غیر هسته‌ای کردن:

قراردادی که استقرار سلاحهای هسته‌ای را در یک ناحیه، کشور، یا منطقه بخصوص ممنوع می‌کند.

Depression:

The business cycle period of economic stagnation.

رکود:

وضعیت کسب و کار و بازرگانی در دوران رکود اقتصادی.

Détente:

A diplomatic term indicating a situation of lessened strain or tension in the relations between two or more countries.

تنش زدایی:

اصطلاحی است دیپلماتیک که شرایط کاهش فشار یا تنش در روابط میان دو یا چند کشور را نشان می‌دهد.

Deterrence:

Activities undertaken by a state or group of states to discourage other states from pursuing policies unwanted by the deterring state or states.

بازدارندگی:

فعالیت‌های انجام شده به وسیله یک دولت یا گروهی از دولت‌ها برای بازداشتن سایر دولت‌ها از تعقیب سیاست‌هایی که دلخواه دولت یا دولت‌های بازدارنده نیست.

Dictatorship:

Arbitrary rule by an individual or junta not constitutionally responsible to the people or their elected representatives.

دیکتاتوری:

حکومت مستبدانه به وسیله یک فرد یا گروهی از افراد که از نظر قانونی در برابر مردم و نمایندگان منتخب آن‌ها مسئول و پاسخگو نیستند.

Diplomacy:

The practice of conducting relations between states through official representatives. Diplomacy may involve the entire foreign relations process, policy formulations as well as execution.

دیپلماسی:

عمل هدایت و اداره روابط میان کشورها به وسیله نمایندگان رسمی. دیپلماسی ممکن است کل روند روابط خارجی، فرمول بندی سیاست خارجی و همچنین اجرای آن را در برگیرد.

Disengagement:

The withdrawal of two potentially hostile military forces from positions of direct confrontation.

اجتناب از درگیری:

بیرون آمدن دو نیروی نظامی بالقوه متخاصم از وضع رودررویی مستقیم.



Dollar Diplomacy:

Active use of the power of a state against other countries to promote the private foreign investment interests of its citizens.

دیپلماسی دلار:

استفاده فعالانه از قدرت یک کشور علیه کشورهای دیگر برای اینکه منافع سرمایه‌گذاری خصوصی شهروندان آن کشور در کشورهای خارج افزایش یابد.

Domestic Jurisdiction:

Those sphere of national life which are regulated exclusively by national law and within which the validity of international law is denied.

صلاحیت داخلی:

آن حوزه‌هایی از حیات ملی یا زندگی شهروندان که منحصراً بوسیله حقوق یا قوانین ملی تنظیم می‌شوند و در مورد آن‌ها اعتبار حقوق بین‌الملل کاربرد ندارد.

Dual Nationality:

Citizenships simultaneously held in more than one country.

تابعیت مضاعف:

دارا بودن تابعیت بیش از یک کشور در زمان واحد.

Embargo:

A government edict prohibiting citizens from trading with one or several countries. The embargo may apply only to certain types of products, or it may be a total prohibition of trade.

ممنوعیت بازرگانی:

فرمانی صادر شده از طرف دولت که شهروندان را از معاملات بازرگانی با یک یا چند کشور منع می‌کند. این ممنوعیت ممکن است شامل برخی کالاهای خاص باشد و یا اینکه شامل ممنوعیت تجاری در حالت کلی باشد.

Escalation:

Increasing the intensity or geographical extent of hostilities in a war.

تشدید جنگ:

افزایش شدت عملیات نظامی یا گسترش جغرافیایی آن در یک جنگ.

Ethnocentrism:

The belief that one's own group and culture is superior to all others. Ethnocentrism is a universal social phenomenon that distinguishes "we" from "they".

قوم محوری:

باور به این که قوم و فرهنگ خودی برتر از تمام اقوام و فرهنگ‌های دیگر است. قوم - محوری یا قوم - مرکزی یک پدیده اجتماعی جهانی است که "ما" را از "آنها" مجزا می‌کند.

Extradition:

The procedure whereby fugitives from justice found in one state are surrendered to the state where the law violations occurred.

استرداد مجرمین:

رسم و روالی که براساس آن وقتی فراریان از چنگ عدالت در کشوری یافت شوند به کشوری که در آن مرتکب قانون شکنی شده‌اند تسلیم می‌شوند.

Fait accompli:

An act by one or several states that creates a new situation vis – a- vis another state or group. Following a fait accompli, the other side no longer shares in the power of decision but finds its options reduced to doing nothing or to reacting to the altered situation.

عمل انجام شده:

عملی انجام شده به وسیله یک یا چند کشور که کشور دیگر یا گروهی از کشورهای دیگر را در شرایط جدید و نامطلوبی قرار می‌دهد. در پی عمل انجام شده، طرف دیگر که دیگر سهمی در قدرت تصمیم‌گیری ندارند چاره‌ای ندارد جز این که دست روی دست بگذارد و کاری انجام ندهد، باید به نحوی در برابر شرایط تغییر یافته عکس‌العمل نشان دهد و دست به کاری بزند.

Fascism:

The ideology of extreme right which fosters an authoritarian society based on rule by an elite headed by a supreme leader or dictator.

فاشیسم:

ایدئولوژی مبتنی بر حقوق نامحدود و افراطی که یک جامعه استبدادی مبتنی بر حاکمیت نخبگان و تحت رهبری یک رهبر عظیم‌الشان یا دیکتاتور را تغذیه می‌کند.

Fifth column:

A subversive movement to weaken a government's defensive efforts during civil war or an attack by another nation.

ستون پنجم:

جنبش براندازی ای که هدف آن تضعیف کوشش‌های دفاعی یک دولت طی یک جنگ داخلی یا حمله یک کشور خارجی است.

First strike:

The strategy of launching a surprise nuclear attack to destroy or decisively weaken the enemy's capacity to retaliate.

ضربه اول:

استراتژی مبادرت به یک حمله هسته‌ای غافلگیرانه برای نابودی یا تضعیف قاطع توانایی دشمن برای تلافی.

Foreign Policy:

A strategy or planned course of action developed by the decision – makers of a state vis – a vis other states or international entities, aimed at achieving specific goals defined in terms of national interest.

سیاست خارجی:

استراتژی یا خط مشی ای که به وسیله تصمیم‌گیرندگان یک کشور در رابطه با سایر کشورها یا موجودیت‌های بین‌المللی طرح‌ریزی می‌شود و منظور از آن دستیابی به اهداف ویژه‌ای است که بر پایه منافع ملی تعریف و مشخص شده‌اند.



Functionalism:

The theory that postulates the building of a world community slowly and cumulatively through progressively expanding Programs of economic and social cooperation rather than by direct political integration.

کارکردگرایی:

نظریه‌ای که معتقد به ساختن تدریجی و پله پله یک جامعه جهانی از طریق توسعه هر چه بیشتر برنامه‌های اقتصادی و همکاری‌های اجتماعی است نه از طریق همگرایی سیاسی مستقیم.

Gaullism:

The political philosophy of Charles de Gaulle and its impact on French national life since World War II.

The essence of Gaullism is the idea of national interest above self – interest, as interpreted by de Gaulle.

گلیسم:

فلسفه سیاسی شارل دو گل و تأثیر آن بر حیات ملی فرانسه پس از جنگ جهانی دوم. جوهر گلیسم، بنابر تفسیر خود دوگل، ایده منفعت ملی بالاتر از منفعت شخصی است.

Genocide:

The destruction of groups of human beings because of their race, religion, nationality or ethnic background.

نسل کشی:

نابودی گروه‌های انسانی به دلیل نژاد، مذهب، ملیت یا سابقه قومی.

Geopolitics:

An approach to foreign Policy that attempts to explain and predict political behavior and military capabilities in terms of the physical environment.

ژئوپلیتیک:

رویکرد یا دیدگاهی برای سیاست خارجی که سعی می‌کند رفتار سیاسی و تواناییهای نظامی را بر حسب محیط طبیعی توضیح دهد و پیشگویی کند.

Glasnost:

A Russian term defined as "openness". The policy of glasnost along with that of perestroika (restructuring) have become state policy in the Soviet Union since the coming to power of Mikhail Gorbachev in 1985.

گلاسنوست:

اصطلاحی روسی به معنای فضای باز. سیاست گلاسنوست، همراه با پروسترویکا (بازسازی) از زمان به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف در ۱۹۸۵ به صورت سیاست دولت اتحاد شوروی در آمد.

Good offices:

A technique for the peaceful settlement of an international dispute whereby a third party acts as a go – between.

مساعی جمیله:

روشی برای حل مسالمت آمیز یک اختلاف بین المللی، با این خصوصیت که یک طرف سوم به عنوان واسطه وارد عمل می‌شود.

Government :

The institutionalized process through which the internal and external aspects of state sovereignty are exercised. All governments make and enforce law, provide services for the citizens and administer justice.

حکومت:

موجودیت قاعده‌مند و تثبیت شده‌ای که به وسیله آن حاکمیت داخلی و خارجی یک کشور اعمال می‌شود. تمام حکومت‌ها، قوانین را وضع می‌کنند و اجرا می‌کنند، خدماتی برای شهروندان تدارک می‌بینند و دارای تشکیلات قضایی هستند.

Guerrilla war:

Irregular warfare fought by small bands against an invading army or rebellion against an established government.

جنگ چریکی:

جنگی غیر منظم توسط گروه‌های کوچک علیه یک ارتش متجاوز یا علیه یک حکومت مستقر.

Hegemony:

The extension by one state of preponderant influence or control over another state or region. A policy of hegemony results in a client – state or satellite relationship and the creation of a sphere of influence.

سرکردگی (هژمونی):

بسط نفوذ یا اعمال قدرت یک کشور نیرومندتر در کشور یا منطقه دیگر. نتیجه سیاست سرکردگی ممکن است پیدایش یک دولت وابسته یا یک رابطه خادم و مخدومی و یا ایجاد یک حوزه نفوذ باشد.

Human Rights:

Protection for individuals from arbitrary interference with or curtailment of life, liberty and equal protection of the laws by government or private individuals and groups.

حقوق بشر:

حمایت از افراد برای اینکه زندگی، آزادی، و حمایت برابر قوانین از آنها از طرف دولت یا افراد و گروه‌های خصوصی مورد مداخله خودسرانه یا محدودیت قرار نگیرد.

Idealist – Realist Dichotomy:

Alternative approaches of decision makers in forming foreign policy. The realist approach to policy making is fundamentally empirical and pragmatic, whereas the idealist approach is based on abstract traditional foreign policy principles involving international norms, legal codes and moral – ethical values.

رویکردهای دوگانه رئالیستی و ایدئالیستی:

رویکردهای دو گانه‌ای که در سیاستگذاری خارجی از طرف تصمیم‌گیرندگان به کار برده می‌شوند. رویکرد رئالیستی در سیاستگذاری در اساس امپریکال (مبتنی بر تجربه) و پراگماتیک (مبتنی بر نتایج عمل) است؛ حال آن که رویکرد ایدئالیستی مبتنی بر اصول سیاست خارجی سنتی و جدا از واقعیات موجود، یعنی مبتنی بر معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی، اصول قانونی و مشروع و ارزش‌های اخلاقی و وجدانی است.



Ideological warfare:

A type of conflict between rival value systems or "ways of life", that involve efforts to gain mass conversions. Ideological warfare involves the utilization of Propaganda, cultural programs, educational, artistic and scientific exchange projects, foreign aid and other activities aimed at winning or maintaining allegiance.

جنگ ایدئولوژیکی:

نوعی تعارض و تضاد در میان سیستم‌های ارزشی رقیب یا «شیوه‌های زندگی» که موجب کوشش‌ها و اقداماتی برای جلب نظر و تغییر عقیده توده‌ها می‌شود. جنگ ایدئولوژیکی شامل استفاده از تبلیغات، برنامه‌های فرهنگی، برنامه‌های مبادلات آموزشی و علمی و هنری، کمک‌های خارجی و دیگر فعالیت‌هایی است که هدف از آنها جلب یا حفظ حمایت و وفاداری توده‌هاست.

Ideology:

The articulation of basic political, economic and social values as a body of ideas that serves as the basis for an ideal social system or "way of life".

ایدئولوژی:

به هم پیوستن ارزشهای بنیادین سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تشکیل بدنه‌ای از ایده‌ها و اندیشه‌ها که همچون شالوده و پایه‌ای برای یک نظام اجتماعی یا «شیوه زندگی» ایده‌آل خدمت می‌کند.

Imperialism:

A superior- inferior relationship in which an area and its people have been subordinated to the will of a foreign state.

امپریالیسم:

یک رابطه فرادست – فرو دست که بر مبنای آن یک منطقه و مردم آن تابع خواست و اراده یک کشور خارجی می‌شوند.

Individualism:

The concept underlying democratic systems of government that holds that the chief purpose of government is to foster the well – being of the individual and to permit each person to realize his or her full capabilities.

فردگرایی:

مفهومی که اساس نظام‌های حکومت‌های دموکراتیک را تشکیل می‌دهد و حاکی از این اعتقاد است که هدف اصلی حکومت بایستی تأمین رفاه و آسایش فرد و اجازه دادن به هر شخص باشد تا بتواند قابلیت‌ها و شایستگی‌های خود را به طور کامل بشناسد و مورد استفاده قرار دهد.

Innocent Passage:

The right of foreign vessels to traverse the territorial waters of another state without capricious interference by the coastal sovereign.

عبور بی‌ضرر:

حق عبور کشتی‌های خارجی از آبهای ساحلی کشورهای دیگر بدون مداخله خودسرانه حکومت ساحلی.

Intelligence:

Information gathered by a government about other states' capabilities and intentions.

اطلاعات:

اطلاعات جمع‌آوری شده به وسیله یک دولت درباره تواناییها و مقاصد دیگر دولت‌ها.

Interest Group:

An association of persons who share a particular value orientation and who seek government support for the promotion or protection of those values.

گروه ذی نفع:

اجتماعی از افرادی که دارای جهت گیری های ارزشی خاص بوده و به دنبال جلب حمایت حکومت برای ارتقاء یا حمایت از آن ارزش ها هستند.

Intervention:

Coercive interference in the affairs of a state by another state or group of states to affect the internal or external policies of that state.

مداخله:

دخالت زورمندانه در امور یک کشور به وسیله یک کشور یا گروهی از کشورها به منظور تغییر دادن سیاست های داخلی یا خارجی آن کشور.

Iron curtain:

A phrase coined by Winston Churchill in 1946 to describe the soviet policy of isolating the states of Eastern Europe from Western Europe.

پرده آهنین:

اصطلاحی که به وسیله وینستون چرچیل در ۱۹۴۶ برای توصیف سیاست اتحاد شوروی مبنی بر جدا کردن دولتهای کمونیست اروپای شرقی از اروپای غربی به کار رفت.

Irredentism:

The desire of the people of a state to annex those contiguous territories of another country that are inhabited largely by linguistic or cultural minorities of the first state.

ایردنتیسم:

اشتیاق و آرزوی مردم یک کشور به ضمیمه کردن مناطق همجوار و متعلق به کشوری دیگر که در آنها اقلیت های وسیع زبانی و فرهنگی متعلق به کشور اول زندگی می کنند.

Isolationism:

A doctrine that views the national interest of the United States as best served by withdrawing the country from the political entanglements of the international community.

انزواجویی:

دکترینی مبتنی بر این باور که بهترین شکل خدمت به منافع ملی ایالات متحده دور نگهداشتن آن کشور از درگیریهای سیاسی جامعه بین المللی است.

Jurisdiction:

The right of a state or a court to speak or act with authority. Jurisdiction involves the assertion of control over persons, property, subjects and situations in a given juridical, political or geographic area.

صلاحیت:

حق یک دولت یا یک دادگاه برای سخن گفتن یا عمل کردن با قدرت. صلاحیت به معنای حق کنترل و اعمال قدرت بر افراد، دارایی ها، اتباع و اوضاع و امور در یک محدوده مشخص قضایی، سیاسی یا جغرافیایی است.

**Jus civile:**

The early civil law of the primitive Roman city – state, which applied to citizens only.

حقوق مدنی (یوس سیویله):

حقوق مدنی دولتشهرهای رومیان باستان که فقط در مورد شهروندان به کار برده می‌شد.

Jus Gentium:

That body of Roman law and equity which applied to all foreigners resident in the Empire.

حقوق ملل (یوس گنتیوم):

مجموعه قوانین و حقوق رومی که در مورد تمام خارجیان مقیم در امپراتوری به کار برده می‌شد.

Jus Naturale:

A Roman adaptation of the Greek stoic concept of a set of principles that ought to govern the conduct of all men.

حقوق طبیعی (یوس ناتوراله):

نظریه رومی اقتباس شده از اندیشه رواقی یونانی مبتنی بر یک رشته قواعد و اصولی که بایستی بر رفتار و روابط همه انسان‌ها حاکم باشند.

Jus Sanguine:

The "law of blood ," or the rule that at birth a person acquires the citizenship of his parents.

اصل خون:

اصل خون قاعده‌ای است مبتنی بر این که یک شخص در موقع تولد تابعیت والدینش را به دست می‌آورد.

Jus Soli:

The "law of the soil ", or the rule that a person's citizen ship is derived from his place of birth.

اصل خاک:

اصل خاک قاعده‌ای است مبنی بر این که شهروندی یک شخص بر حسب محل تولدش تعیین می‌شود.

Leninism:

The theoretical interpretations and practical applications of Marxist doctrine contributed to the ideology of communism by the Russian revolutionary leader, Vladimir Ilyich Lenin.

لنینیسم:

تفسیرهای تئوریک و کاربردهای عملی دکترین مارکسیستی به وسیله رهبر انقلابی روسیه ولادیمیر ایلچ لنین که به غنای ایدئولوژی کمونیسم خدمت کرد.

Letter of Credence:

The formal document by which the head of the sending state introduces the diplomatic representative to the head of the receiving state.

استوارنامه:

سندی رسمی که به وسیله آن رئیس دولت فرستنده، نماینده دیپلماتیک کشورش را به رئیس دولت پذیرنده معرفی می‌کند.

Limited war:

An armed conflict fought for objectives less than the total destruction of the enemy and his unconditional surrender.

جنگ محدود:

جنگ مسلحانه‌ای که با اهدافی کوچک‌تر از نابودی کامل دشمن و تسلیم بی‌قید و شرط آن در می‌گیرد.

Maoism:

Interpretations of Marxism – Leninism, and the policies developed and actions taken by the Chinese communist party under the leadership of Chairman Mao Zedong.

مائوئیسم:

تفسیرهای مارکسیسم-لنینیسم و سیاست‌های عرضه شده و اعمال انجام شده به وسیله حزب کمونیست چین در دوران رهبری صدر مائو تسه تونگ.

Marshall plan:

A proposal made by Secretary of state George C. Marshall in 1947 that the united states undertake a vast program of economic aid to help rebuild the war shattered economies of western Europe.

طرح مارشال:

طرحی که از طرف وزیر امور خارجه جرج مارشال در سال ۱۹۴۷ پیشنهاد شد مبنی بر اینکه، ایالات متحده یک برنامه کمک‌های اقتصادی گسترده برای بازسازی اقتصاد جنگ زده اروپای غربی را در پیش گیرد.

Marxism:

The body of economic, political and social theories developed by Karl Marx and his collaborator Fredrich Engle's in the nineteenth century. Marxism offers a comprehensive "scientific" Philosophy of history that explains human kind's development dialectically as a series of class struggles which have produced new social orders. Marx viewed capitalism as a system suffering from irremediable internal contradictions with an intensifying class struggle that would culminate in a revolution carried out by the proletariat against the bourgeoisie.

مارکسیسم:

مجموعه‌ای از تئوریهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که در قرن نوزدهم به وسیله کارل مارکس و همکارش فردریش انگلس عرضه شده است. مارکسیسم شامل یک فلسفه تاریخی «علمی» و جامع است که تکامل انسان را یک روند دیالکتیکی و نتیجه یک رشته مبارزات طبقاتی می‌داند که در طول تاریخ موجب پیدایش نظام‌های اجتماعی جدیدی شده‌اند. مارکس، سرمایه‌داری (کاپیتالیسم) را نظامی تلقی می‌کرد که دچار تضادهای درونی چاره ناپذیر است و آمیخته به مبارزه طبقاتی تشدید یابنده‌ای است که سرانجام به انقلاب پرولتاریا علیه بورژوازی منجر می‌شود.

Massive Retaliation:

The threat of nuclear response to respond the actions of another state.

تلافی گسترده:

تهدید به پاسخ هسته‌ای نسبت به اقدامات کشور دیگری.

Mass Media:

The technical apparatus for communicating with millions of people. The mass media include radio, television, newspapers, magazines / books, motion pictures and official publications.

رسانه جمعی:

دستگاه تکنیکی برای ارتباط با میلیون‌ها نفر از مردم. رسانه جمعی شامل رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها، تصاویر متحرک و انتشارات رسمی می‌شود.



Mediation:

A Peaceful settlement procedure whereby a third party aids the disputants in finding a solution by offering substantive suggestions.

میانجیگری:

یکی از روش‌های حل مسالمت آمیز که بوسیله آن یک کشور ثالث با طرح پیشنهادهای اصولی به طرفین اختلاف کمک می‌کند تا به راه حلی دست یابند.

Mercantilism:

The economic philosophy and practice of government regulation of a nation's economic life to increase state power and security.

مرکانتیلیسم:

فلسفه و رویه اقتصادی دولت برای تنظیم زندگی اقتصادی ملت به منظور افزایش قدرت و امنیت کشور.

Mobilization:

Actions undertaken by a state to place it in a condition of readiness for war.

بسیج:

اقدامات اتخاذ شده از طرف کشور برای قرار گرفتن در حالت آماده باش برای جنگ.

Monarchy:

Hereditary or constitutional rule by a king, emperor or other royal person.

سیستم پادشاهی:

حکمرانی وراثتی یا قانونی توسط یک پادشاه، امپراتور و یا سایر اشخاص سلطنتی دیگر.

Monroe Doctrine:

A basic principle of United States foreign policy, opposing foreign intervention in the western Hemisphere. It also stated a reciprocal United States intention, since abandoned, to refrain from interfering in the internal affairs of Europe.

دکترین مونروئه:

یک اصل اساسی سیاست خارجی ایالات متحده که با مداخله خارجی در نیمکره غربی مخالف است. همچنین دکترین مونروئه بیان کننده قصد متقابل ایالات متحده مبنی بر عدم مداخله در امور داخلی اروپا نیز بود.

Multinational corporations

Business that have a home base in one country and carry on operations through subsidiaries in other countries.

شرکت‌های چند ملیتی:

شرکت‌هایی که مقر اصلی آن‌ها در یک کشور است و عملیاتشان را از طریق شرکت‌های وابسته در سایر کشورها انجام می‌دهند.

Multiparty system:

A representative democratic system in which more than two parties compete for power. The multiparty system usually requires the formation of a coalition to construct the majority necessary for establishment of government.

نظام چند حزبی:

سیستم دموکراتیک نمایندگی که در آن بیش از دو حزب برای رسیدن به قدرت با هم رقابت می‌کنند. معمولاً در نظام چند حزبی، شکل دهی به ائتلافی برای بوجود آوردن اکثریت لازم برای ایجاد دولت مورد نیاز است.

Nation:

A social group that shares a common ideology, institutions and customs and a sense of homogeneity.

ملت:

گروه اجتماعی که دارای ایدئولوژی، نهادها و عادات مشترک و دارای حس تجانس هستند.

National Interest:

The fundamental objective and ultimate determinant that guides the decision-makers of a state in making foreign policy. The national interests of a state are typically highly generalized conceptions of those elements that constitute the state's most vital needs. These include self – preservation, independence, territorial integrity, military security and economic well – being.

منفعت ملی:

هدف اساسی و مهمترین عامل تعیین کننده‌ای که تصمیم گیران یک دولت را در سیاستگذاری خارجی هدایت می‌کند. منفعت ملی یک کشور معمولاً یک مفهوم و برداشت کلی از آن عناصری است که حیاتی‌ترین نیازهای کشور را تشکیل می‌دهند. این نیازها عبارتند از صیانت از خود، استقلال، تمامیت ارضی، امنیت نظامی و رفاه اقتصادی.

Nationalism:

The spirit of belonging together or the popular will that seeks to preserve the identity of a group by institutionalizing in the form of a state. Nationalism can be intensified by common racial, linguistic, historical and religious ties.

ناسیونالیسم (ملت‌گرایی):

روح تعلق به یکدیگر، یا خواست همگانی و فراگیری که درصدد است هویت یک گروه را به وسیله نهادینه کردن آن به صورت یک دولت محفوظ نگهدارد. ملت‌گرایی می‌تواند با علایق و پیوندهای مشترک زبانی، نژادی، تاریخی و مذهبی تقویت و تشدید شود.

Negotiation:

A diplomatic technique for the peaceful settlement of differences and advancement of national interests. The objectives of negotiation are accomplished by compromises and accommodations reached through direct personal contact.

مذاکره:

یک شگرد و فن دیپلماتیک برای حل مسالمت آمیز اختلافات و پیشبرد منافع ملی. اهداف مذاکره به وسیله مصالحه‌ها و موافقت‌هایی که از طریق تماس‌های شخصی بلاواسطه صورت می‌گیرد، برآورده می‌شود.

Neutralism:

An attitude or policy of independence and nonalignment in the East- West Power struggle.

گرایش به بیطرفی:

نگرش یا سیاست استقلال و عدم تعهد در تنازع قدرت بین غرب و شرق.

Neutrality:

The legal status wherein a state takes no part in a war and which establishes certain rights and obligations vis – a – vis the belligerents.

بیطرفی:

وضعیتی حقوقی که براساس آن یک کشور در جنگی شرکت نمی‌کند و در رابطه با کشورهای در حال جنگ دارای حقوق و تعهدات خاصی می‌شود.



Non-Aligned Movement (NAM):

A large group of nations that actively refuses to be politically or militarily associated with either the West or the East bloc.

جنبش عدم تعهد:

گروه بزرگی از کشورها که به شکل فعال، اتحاد نظامی یا سیاسی با هر یک از دو بلوک غرب یا شرق را رد می‌کنند.

Non – Governmental Organization (NGO):

A private international organization that serves as a mechanism for cooperation among private national groups in international affairs, especially in the economic, social, cultural, humanitarian and technical fields.

سازمان غیر دولتی:

سازمان بین المللی خصوصی‌ای که به عنوان یک مکانیسم کمک می‌کند به این که در میان گروه‌های ملی خصوصی در مورد امور بین المللی به ویژه در زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بشر دوستانه و فنی همکاری وجود آید.

Non- Proliferation Treaty (NPT):

An international agreement to prohibit the diffusion of nuclear weapons among non - nuclear states.

قرار داد منع گسترش:

قرارداد بین المللی برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در میان کشورهای غیرهسته‌ای.

Persona Grata:

An expression used to indicate that a particular individual would be, or continues to be, acceptable as an official representative of a foreign state.

عنصر مطلوب:

عبارتی که به کار برده می‌شود تا نشان دهد که یک فرد بخصوص به عنوان نماینده رسمی یک دولت خارجی قابل قبول خواهد بود یا همچنان قابل قبول است.

Persona Non Grata:

An expression used to indicate that a particular individual would be unacceptable as an official representative of a foreign state.

عنصر نامطلوب:

عبارتی که به کار برده می‌شود تا نشان دهد که یک فرد بخصوص به عنوان نماینده رسمی یک دولت خارجی غیر قابل قبول است.

Plebiscite:

A vote to determine the will of the entire population of an area on a matter of great public interest.

همه پرسی:

رأی‌گیری برای روشن کردن خواست و نظر کل جمعیت یک منطقه در مورد مسئله‌ای که شدیداً مورد توجه عموم مردم است.

Polycentrism:

An international balance of power situation characterized by a number of power centers.

چند مرکزیتی:

یک نظام توازن قدرت بین المللی که ویژگی آن وجود تعدادی از مراکز قدرت در آن است.

Positivism:

The doctrine that holds that international law consists only of those rules by which states have consented to be bound. Positivism, which emphasizes the concept of state sovereignty, asserts that consent may be granted expressly in the form of a treaty, or by implication through adherence to international customary practices.

پوزیتیویسم:

دکترینی مبنی بر این اعتقاد که حقوق بین الملل فقط از آن دسته از قواعدی تشکیل می شود که دولت ها رضایت داده اند که به آن ها متعهد و پای بند باشند. پوزیتیویسم که بر مفهوم حق حاکمیت دولت تأکید می کند، معتقد است که رضایت دولت ها ممکن است به طور صریح به صورت یک قرار داد بیان شود یا ممکن است بطور ضمنی از طریق تأیید و اعمال قواعد عرف بین الملل.

Preemptive Strike:

A first – strike nuclear attack undertaken on the assumption that an enemy state is planning an imminent nuclear attack.

حمله پیش دستانه:

وارد آوردن اولین ضربه هسته ای براساس این تصور که یک کشور دشمن در حال طرح ریزی حمله هسته ای قریب الوقوع است.

Preventive War:

A military strategy that calls for an attack by a nation that enjoys a temporary advantage in striking power. The doctrine of preventive war calls for a surprise attack that is dedicated to the destruction of an enemy state that is developing a superior force for crushing future attack.

جنگ پیشگیرانه:

یک استراتژی نظامی که حمله کشوری که از مزیت موقت نیروی ضربتی برخوردار است را مطرح و تجویز می کند. دکترین جنگ بازدارنده خواستار حمله ای غافلگیرانه برای انهدام کشور دشمنی است که در حال تدارک یک نیروی برتر برای یک حمله خرد کننده در آینده است.

Propaganda:

Any form of communication aimed at implanting data, ideas or images in human minds to influence the thinking, emotions or actions of individuals or groups.

تبلیغات:

هر شکلی از ارتباط که هدفش جایگزین کردن اطلاعات، ایده ها، یا تصورات در اذهان انسانها یا گروه ها است.

Protectionism:

The theory and practice of using governmental regulation to control or limit the volume or type of imports entering a state.

حمایت گرایی:

تئوری و عمل بکارگیری مقررات دولتی برای کنترل یا محدود کردن حجم یا نوع واردات به یک کشور.

Psychological Warfare:

Political, military, economic and social activities carried on during war or cold- war periods aimed at influencing thoughts and actions.

جنگ روانی:

فعالیت های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی در زمان جنگ یا در دوران جنگ سرد که با هدف تحت تأثیر قرار دادن افکار و اعمال صورت می گیرد.



Public Opinion:

Views and attitudes on domestic or foreign actions and issues held by the people of a nation, community or group.

افکار عمومی:

نظرات و برداشت‌های افراد یک کشور، جامعه یا گروه در مورد اقدامات و مسائل داخلی یا خارجی.

Refugee:

A person, who is expelled, deported or flees from his or her country of nationality or residence.

پناهنده:

شخصی که از کشور متبوع یا کشور اقامتگاه خود تبعید یا اخراج می‌شود و یا می‌گریزد.

Republic:

A state in which the government consists of elected representatives.

جمهوری:

کشوری که در آن دولت، متشکل از نمایندگان منتخب مردم است.

Revolution:

A basic transformation of the political, economic or social principles and institutions in a state, resulting from the overthrow of an established governmental order.

انقلاب:

تغییر اساسی اصول و نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در یک کشور در پی برافتادن نظام دولتی حاکم.

Rule of Law:

A fundamental principle of democratic government that proclaims the supremacy of law, establishing limits for public officials in the exercise of their powers.

حکومت قانون:

یک اصل اساسی حکومت دموکراتیک که قدرت فائقه قانون را مطرح می‌کند و برای مقامات دولتی در اعمال قدرتشان محدودیت‌هایی برقرار می‌کند.

Self – Determination:

The doctrine that postulates the right of a group of people who consider themselves separate and distinct from others to determine for themselves the state in which they will live and the form of government it will have.

حق تعیین سرنوشت:

نظریه‌ای که به گروهی از مردم که خود را جدا و متمایز از دیگران می‌دانند کاملاً حق می‌دهد که سرزمینی را که می‌خواهند در آن زندگی کنند و نوع حکومتی که می‌خواهند داشته باشند را برای خود تعیین کنند.

Socialism:

An ideology that rejects individualism, private ownership and private profits in favor of a system based on economic collectivism, governmental, societal or industrial – group ownership of the means of production and distribution of goods and social responsibility.

سوسیالیسم:

ایدئولوژی که فردگرایی، مالکیت خصوصی و درآمدهای خصوصی را رد می‌کند و از نظامی مبتنی بر اشتراکی بودن اقتصاد، مالکیت دولتی، مالکیت اجتماعی، یا مالکیت گروهی بر ابزار تولید و توزیع کالا و مسئولیت اجتماعی طرفداری می‌کند.

Sovereignty:

The supreme decision – making and decision – enforcing authority possessed by the state and by no other social institutions.

حاکمیت:

قدرت عالیّه تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات که در اختیار دولت است و هیچ نهاد اجتماعی دیگر از آن برخوردار نیست.

Sphere of Influence:

An area dominated by the national interests of a foreign power. In a sphere of influence, the foreign power does not possess sovereignty but imposes an international servitude that restricts the free exercise of local territorial sovereignty.

حوزه نفوذ:

منطقه‌ای که به خاطر منافع ملی یک قدرت خارجی زیر نفوذ و سلطه آن قرار می‌گیرد. در یک حوزه نفوذ، قدرت خارجی دارای حق حاکمیت نیست اما نوعی تبعیت و فرمانبرداری را تحمیل می‌کند که اعمال حاکمیت آزادانه حکومت‌های محلی را کاملاً محدود می‌سازد.

State:

A legal concept describing a social group that occupies a defined territory and is organized under common political institutions and an effective government.

دولت:

مفهومی حقوقی که گروه اجتماعی را توصیف می‌کند که سرزمین معینی را تحت تصرف دارد و بر مبنای نهادهای سیاسی مشترک و قدرت حاکمیت مؤثر و کارآمد تشکیل شده است.

Status quo:

Any foreign policy aimed at maintaining the existing international, ideological or power distribution.

وضع موجود:

هر سیاست خارجی که هدفش حفظ تقسیم بندی ارضی و ایدئولوژیکی موجود یا حفظ تقسیم‌بندی کنونی قدرت بین المللی است.

Totalitarianism:

Authoritarian control by the state over individuals and organizations so that all activities is harmonized with the policies and goals of the regime.

حکومت توتالیتار (حاکمیت کامل):

سلطه مستبدانه دولت بر افراد و سازمانها به صورتی که تمام فعالیت‌های اجتماعی با سیاست‌ها و اهداف رژیم هماهنگ شود.

Veto:

A vote that forbids or blocks the making of a decision.

وتو:

رای‌ای که تصمیم‌گیری را ممنوع یا منتفی می‌سازد.

Xenophobia:

Fear or distrust of foreigners and of the policies and objectives of other states.

بیگانه هراسی:

هراس یا عدم اعتماد به خارجی‌ان و به سیاست‌ها و اهداف دیگر دولت‌ها.